



راهبان نور

علی عبدالله پور

شعر سعدی مدام در ذهنم نقش می‌بست: بسیار سفر باید تا پخته شود خامی سفری داشتیم که مناطق جنگ که نه، مناطق عشق را حکایت می‌کرد. آنجا که خاک دیگر خاک نبود، خاک که خود را فراتر از آسمان می‌دانست. راست هم می‌گفت، از آنجا که نگاه می‌کردی، آسمان روی زمین در حال ریسه رفتن بود. آنجا همه چیز انگار برعکس بود، ستاره‌ها زیر خاک بودند، شاید هم ما عوضی فکر می‌کردیم که ستاره‌ها در آسمانند. سرزمینی که یادآور شلیک اشک‌های بی‌امان مادران بود.

نمی‌دانم چه شد، اسم برای راهبان نور نوشتم، وسایل جمع کردم، قرآن بوسیدم و سوار بر اتوبوسی شدم که مقصدش جایی حوالی معشوق بود. اتوبوس را رئیس علی

دلواری نامیده بودند و او با عشق مسافران نور را بدرقه می‌کرد. به کوی عاشقان رسیدیم، آنجا انگار آخر دنیا بود اما نمی‌دانستیم تمام هم که بشوی، اول شروع شدنی. فکه هنوز هم بوی جنگ می‌داد، میان خاک سر از آسمان در آورده بودم و کسی نبود جز شهدای کانال کمیل که جانِ تشنه‌ی نوجوان مرا سیراب کند. جنگ جنگی نابرابر بود، جنگ جنگی فوق‌باور بود. فکه زمانی افتخار میزبانی مردانی را داشت که با بال شکسته پرگشودن را خوب می‌دانستند. مردانی که شهادت را نه در جنگ که در عشق کسب کرده بودند. آخر مگر انسان در جنگ می‌تواند مدال شهادت را به گردن بیاویزد؟ راه شهادت از عشق عبور می‌کند نه جنگ. دست بر سینه گذاشته و «سلام ابراهیم» می‌گفتم. کش‌ها را در آورده بودم، پاهایم بی‌اختیار بر پیشانی خاک بوسه می‌زدند و

می‌گفتند: کجایند مردان بی‌ادعا؟

«ای سرزمینِ آفتاب!

سوگند به درخشش هر روزت

و سوگند به جان‌های غلتیده در خونت

که راه تو را

تا غروبِ خصم

ادامه خواهیم داد.»

#عق



«اگر دین ندارید لااقل آزاده باشید»

علی بهادری

یکی از مشهورترین سخنان امام حسین (علیه السلام) که منابع مختلف - با تفاوت‌هایی در جزئیات - آن را نقل کرده‌اند، این کلام است که فرمود: «یا شیعه آل سفیان ان لم یکن لکم دین و کُتُمُ التَّخَافُونَ الْمَعَادَ فُکُونُوا أحراراً فی دُنْیاکُم»: ای پیروان آل سفیان! اگر شما دین ندارید و از روز قیامت نمی‌ترسید، پس [لااقل] در زندگی خود آزاده باشید.

معنای این سخن اباعبدالله این بود که اگر به خدای یگانه و روز رستاخیز ایمان ندارید لااقل فطرت‌های انسانی را پاس بدارید و ارزش‌های انسانی را زیر پا نگذارید. مادامی که قلب و روحمان برای مردمان آواره یمنی که ۷ سال در آماج حمله رژیم سعودی قرار داشتند رنجور بود، در حالی که چشم‌های کودکان فلسطینی پشت دوربین‌های خاموش رسانه‌ها گریان بود، زمانی که افغانستان و سوریه عزیز مورد تجاوز دشمنان متمدن و مزدور غربی قرار می‌گرفت، داغ دیگری به

قلب‌هایمان نشست، اوکراین...

مثل غرب نیستیم که وقتی بمب را بر سر کاروان عروسی در افغانستان بیندازد آن را مقابله با تروریسم بدانیم بلکه با جنگ و خراب شدن زیر ساخت‌های مردم در همه جای دنیا مخالفیم

[مقام معظم رهبری - دهم اسفندماه ۱۴۰۰]

در جهانی که بمب‌های آمریکایی، قتل‌های عربستانی و جنایات بی‌پایان رژیم اشغالگر



بهار روزگاران

عرفان قاسمی قاسموند (ع.ق)

ای بهارِ روزگاران!

زمین

به شوقِ قدم تو

چمن‌ها گسترده،

و درختان به امید تو

سایه می‌افکنند؛

گل‌ها

در انتظارِ تو می‌شکفند

و ابر و باد

زمزمه‌ی حضورِ تو را

تکرار میکنند.

هر بهاری که از راه می‌رسد

مژده‌ی آمدنِ تو را

تا همه جا

می‌گوید.

ای بهارِ هر بهاری!

به غنچه‌های خندان!

به شکوفه‌ها!

به سبزه‌های تازه روییده!

به نغمه‌ی پرندگان و

آواز رودخانه‌ها!

به گریه‌ی ابرها و زمزمه‌ی باد‌ها!

به رنج انسان!

به رنج انسان!

به رنج انسان!

طلوع کن!

ای ماه!

ای خورشید!

بر این ظلمت

بتاب!

ای بهارِ هر بهاری شوقِ رویدنِ تویی

هر زمینی چهره‌ات بیند ز گلِ گلگون شود



نیمه شعبان

علی حیدری

شب نیمه شعبان از چنان اهمیتی برخوردار است که هم‌ردیف و هم‌پای شب‌های قدر قرار دارد و از این موقعیت می‌توان، چون شب‌های قدر ماه مبارک رمضان، برای کسب خیرات و برکات معنوی بهره برد و نهایت تلاش را برای کسب فیض داشت. دعای کمیل در این شب بسیار سفارش شده است. در این شب خداوند رحمت خود را بر بندگان سرازیر می‌کند و آنها را با کرم و بندگی خود می‌آمزد بر اساس روایات در شب نیمه شعبان تقدیر هر کس تا سال آینده نوشته می‌شود و روزی هر کس در این شب مشخص می‌شود.

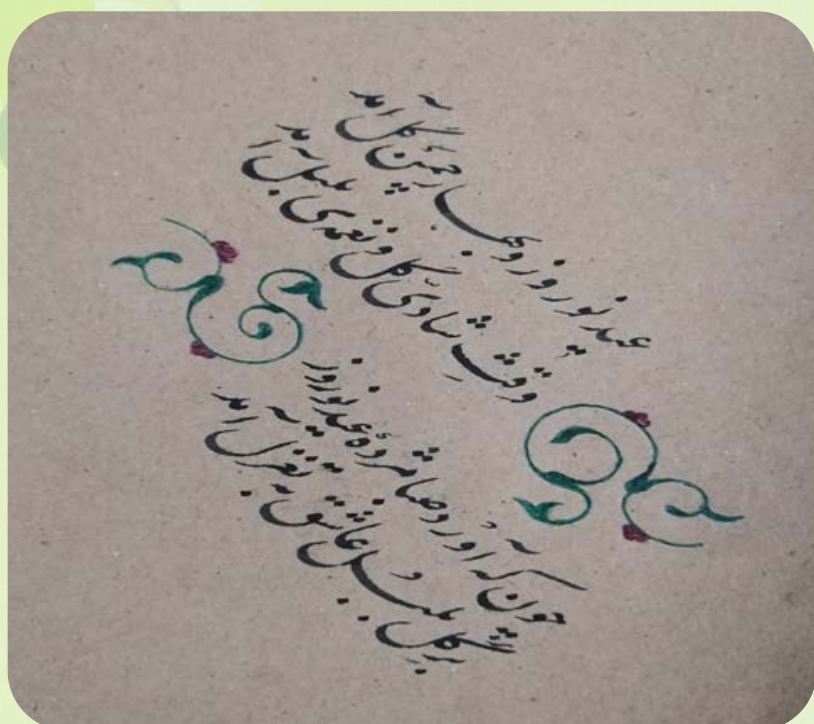
نیمه شعبان فرصت مناسبی برای خودسازی و جامعه‌سازی است. ارزش نیمه شعبان به علت تولد امام زمان(عج) می‌باشد، که به عقیده ما مسلمانان و شیعیان آخرین امام و منجی بشریت می‌باشد. نیمه شعبان یادآور انسان کاملی است که محور

تحقق جامعه آرمانی بشر است. مهمترین نیاز جامعه شیعه و جامعه جهانی وجود مقدس امام عصر(عج) و تلاش برای ظهور حضرت ملاک انسانیت و انقلابی بودن افراد است. رسول خدا (ص) فرموده: هرکس که شب عید و شب نیمه شعبان زنده بدارد «لم یمت قلبه یوم تموت القلوب» قلب او در روزی که قلب‌ها می‌میرد نخواهد مرد و هیچگاه دل مرده نخواهد شد.



عید نوروز و بهار چمن و گل آمد

محمدحسن لادنی



The Children of the Light

جواد وثوقی فرد

hope indeed. «Because there's no human, if hopes and dreams aren't within the walls of our mind», I try to tell him, «Because we are nothing but a facade of humanity if there isn't growth.» It keeps him at bay, sometimes. But all we have to do is to remember, and to remind each other that at the end of the day, hope is not dead; for every human being is a container of hope, as long as he draws a breath.

-Javad V.F., A reminder to fight the stillness.



let it define who you are. Fight the stillness that the Dark brings, for if you search more while you're down there, you can find a stronger urge to become a river. And river you should become.

But when you reach high, remember the living, those who do not wish to be one of the countless living dead. Help them and help others, as you can not be the only one who reaches high. The Light demands soldiers. Soldiers who grow, and help others grow, til the stillness of the Dark fades.

Don't get me wrong, the temptations of the Dark are always there. «Why growth?», the dark may demand, «Why not stillness? Why hope?» Why

As the day grows old, the darkness starts to creep in. little by little, it infests the minds and takes the hearts of the living dead. Those who live without hope, and those who do not mind sitting still and grow stale while the light's still out, and do nothing but meaningless tasks for even more meaningless purposes.

The young night grows stronger as it feeds on the remaining hope of the souls of the faint-hearted, crushing their ideas and dreams, making their eyes soulless. Their stench fills the air as they do not move, for they hate moving.

But there stand the daring soldiers of the day, defying the darkness in the face: At the summit of the mountains, standing so high that the Dark can't even see them, trying to reach even higher. Their thirst for growth, infinite, and fear unbeknownst to them.

I can feel the darkness. Believe me, we all do; every second of every minute of the day. Maybe you don't know what I mean, or maybe, deep down, you know that you know, and that's a good place to start: deep down. For in the depths of your hearts, rests a brightness, and in each mind, there's a seed that wants to grow. So, let the seed of your ideas grow in its proper seat. Let it shine, and

ورزش یک عامل اجتماعی شدن

امین رحیمی

اثرات ورزش فراتر از پیامدها با نتایج صرف تاثیرات اجتماعی شدن می‌باشد. ورزش را می‌توان یک عامل اجتماعی شدن در نظر گرفت برای مثال می‌توان به تاثیر ورزش بر رشد نگرش‌های اجتماعی ارزش‌ها و رفتار اشاره نمود. به طور کلی فرض مشترک در روانشناسی و جامعه‌شناسی این است که ورزش و مخصوصاً رقابت «شخصیت ساز» است. شجاعت، از خود گذشتگی، نظم و پشتکار ویژگی‌هایی هستند که به اعتقاد عام مردم از فواید شرکت در ورزش هستند که کودکان می‌توانند روابط ارزشمند و مهارت‌های تصمیم‌گیری را از طریق مشارکت در ورزش بیاموزند. فواید حاصل از ورزش تقریباً به طور اجتناب ناپذیری ناشی از رقابت‌های موفق‌آمیز و با موفقیت در دیگر حیطه‌های ورزشی می‌باشد. ورزش می‌تواند سازنده شخصیت باشد ورزش همچنین می‌تواند تصورات مثبتی درباره اغلب ما فراهم نماید و در اجتماعی شدن افراد کم سن و سال و در مقابل پیش‌دواری‌ها و تبعیض‌ها کمک کننده باشد.

منبع : روانشناسی و ورزش چگونه با مهارت‌های ورزشی اضطراب استرس و پرخاشگری را کنترل کنیم



یادگیری یا تکمیل ظرفیت

محسن محمدی

هم از نظر اخلاقی. متأسفانه جامعه ما نیز از این تفکر خطرناک مصون نبوده و چند وقتی است مدیران آموزشی کشور دیدگاه دوم را مد نظر قرار داده‌اند. یعنی برای کاهش هزینه‌ها و کوتاه کردن دوره آموزشی نو معلمان جهت جبران کمبود معلم که سیاست‌های اشتباه برنامه‌ریزان آموزشی در مقطعی باعث به وجود آمدنش شده به این روش روی آورده‌اند؛ البته اگر منصف باشیم فرایند آموزشی دانشگاه‌های فرهنگیان هم بدون مشکل نیست و در بعضی از قسمت‌ها نیاز به توجه بیشتری است. باید محتوای کارآمد و به روزی تهیه شود تا دانشجویان و اساتید از مشکلات انتخاب بین منابع مختلف آسوده خاطر شوند و همچنین باید اساتید و هیئت علمی مجرب استخدام کرد تا رتبه علمی دانشگاه‌های فرهنگیان را بهبود بخشید و... ولی سوال اصلی اینجا است آیا باید چند نسل بگذرد تا ما نتیجه تصمیمات اشتباهمان را متوجه شویم؟؟



مشکل، معضل یا شاید هم فرصت، نمیدونم اسمش رو چی باید گذاشت یا زاویه‌ی نگاهم رو چطور تنظیم کنم. مسئله‌ی ساده‌ی مبهمی است، آموزش یا استخدام؟ اجازه بدید بیشتر از این در حاشیه و چراغ خاموش جلو نرویم. موضوع، استخدام معلم بدون تحصیلات چهارساله دانشگاهی است. یا بهتر بگویم راه فراری برای برنامه‌ریزان بی‌برنامه. برای آن دسته از مسئولانی که یک دو تا چهارتای ساده را هم نتوانستند بدون نقص انجام بدهند. با یک نگاه گذرا می‌توان دریافت که نهاد آموزشی نیاز مدام العمر هر جامعه‌ای است و معلم عنصر حیات بخش و روح جدایی ناپذیر آن و بسیار ساده‌تر می‌توان نتیجه گرفت که اگر نگاه مسئولان و قانون‌گذاران جامعه مورد نظر ما نسبت به نظام آموزشی یک نگاه صرفاً مادی باشد و یا نگاهشان به معلم به مانند دیگر شاغلین و حقوق بگیران دولتی باشد یعنی معلم را نه بر اساس صلاحیت‌هایش، نه بر اساس رتبه علمی‌اش بلکه بر این اساس که می‌تواند محتوای موردنظر را دست و پا شکسته به دانش‌آموزان منتقل کند، استخدام کنند آن جامعه دچار زوال تدریجی خواهد شد هم از نظر علمی و

معرفی کتاب

محمدعلی صالحی

نوشته آلبر کامو

ترجمه خشایار دیهیمی

سوء تفاهم، دومین نمایشنامه به قلم آلبر کامو است که ماجرای دو زن، مادر و دختر، است که مسافرخانه‌ای را اداره می‌کنند و با حضور مسافری جدید آنها برای رسیدن به آرزوی قدیمی خود که سفر به آفریقا است باید تصمیمی بگیرند، جنایتی که برای آنها

تازگی ندارد ولی این بار رنگ و بویی جدید پیدا کرده است. ماجرای ما در کشور چکسلواکی اتفاق می‌افتد. این نمایشنامه بر ایده پوچی کامو تاکید دارد و در سال ۱۹۴۳ در فرانسه تحت اشغال نوشته شده است. سوء تفاهم از لحاظ ساختار بازگشتی به تئاتر یونان باستان است. این کتاب را برای اولین بار جلال آل احمد در سال ۱۳۲۸ به فارسی برگرداند.



آلبر کامو

خشایار دیهیمی

سوء تفاهم



نشریه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی رسام

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان بوشهر

پردیس علامه طباطبائی / شماره دوازدهم / اسفندماه ۱۴۰۰

مدیر مسئول: محمدعلی صالحی

سردبیر: عرفان قاسمی قاسموند

هیئت تحریریه: امین رحیمی، علی بهادری، محمدحسن

لادنی، جواد وثوقی فرد، علی عبدالله پور، محمدعلی صالحی،

ویراستار: علی راستگو

طراح و صفحه آرا: اسماعیل جهانگیری جاوید

@rasam_bfu